

دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان سال ۱۶،
شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۹۸-۲۲۵
(مقاله پژوهشی).

کنش دوسویه دین و خرد بر اساس سلسله مراتب ظهور در عوالم هستی در زردشتی متأخر

قربان علمی^۳

محمدکاظم علمی^۲

سیده سوزان انجمرکز^۱

۱۹۸

پژوهشنامه ادیان چکیده

از مهم ترین جلوه های خرد خداوند، کنش دوسویه دین و خرد است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی با بررسی شواهدی از متون زردشتی، درصدد تحلیل و ارزیابی رابطه متقابل دین و خرد است: خرد خداوند، خیم جاودانی اوست و دین در گوهر خود، خردمندی خداست. خداوند از راه خرد، آفرینش را بنیان نهاده و فلسفه هستی براساس نبرد کیهانی است؛ پیروزی در این نبرد براساس پیمانی است که خاستگاه اش «آسن خرد» ایزدی است و مبارزه همیشگی با افراط و تفریطی که برآمده از بی خردی است. کنش متقابل دین و خرد در زردشتی جلوه های گوناگونی دارد که به مراتب در عوالم سریان دارد. این جستار ابتدا کنش های دوسویه دین و خرد در زردشتی را مورد کنکاش قرار داده، آنگاه با تحلیل این جریان ها به این نتیجه نائل شده است که بنیاد همه آنها، همه آگاهی اورمزد می باشد که سبب سازگاری دین و خرد است. با ژرف نگری این مؤلفه ها به آغاز اصلی (خرد خداوند) باز می گردیم که گواه حقیقی آن در آدمی، دادگری یا خرد ایزدی داشتن (yazadān-xradīs) است که عالی ترین تجلی خرد اوست.

سال شانزدهم، شماره سی و دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

کلیدواژه ها

به دین مزدیسنی، همه آگاهی هرمزد، خردخواهی، میان اندیشی، دادگری.

su.anjmerooz@ut.ac.ir

elmi@um.ac.ir

gelmi@ut.ac.ir

۱. استادیار ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه تهران.

۱. طرح مسأله

پیام آور دین مزدپرستی، زردشت، می خواسته آدمی را از پیچ و خم دستگاہ یزدان شناخت ابتدایی کوه نشینان و بیابان گردان رهایی بخشد و به دینی روشن و خردپذیر فراخواند.^۱ از سروده های زردشت پیداست که وی خواستار پیوند محکم دین و خرد بوده است: «ای هوشمندان! بشنوید با گوشها {خویش} بهترین {سخنان} را و ببینید با منش روشن و هریک از شما -چه مرد، چه زن- پیش از آنکه رویداد بزرگ به کام ما پایان گیرد، از میان دو راه، {یکی} را {برای} خویشتن برگزینید و این {پیام} را {به دیگران} بیاموزید».^۲ این برگزیدن بهترین راه، راه مزداهورا، برعهده خرد است، اما آموختن این حکمت دینی در طی سالیان دراز دچار تحولاتی شد. «از آنجا که نوشته های مقدس به زبان اوستایی به زودی برای همه نامفهوم شد، روحانیونی دانا دست به کار ترجمه و تفسیر آثار مقدس به زبان جدید مردم شدند. این تفسیرها، که به زبان اوستایی «ازاینتی»^۳ و بعدها به زند شناخته شد، به زبان پهلوی برگردانده شد که این فراهم آوری در طول دوره ساسانیان ادامه پیدا کرد».^۴ علاقه به داشتن آثار مکتوب و احساس خطر از نابودی آنها موجب شد که موبدان دست به گردآوری و تألیف این آثار بزنند، اما تعصبات دینی، حوادث، جنگها، به ویژه حمله مغول، موجب از میان رفتن بسیاری از این آثار شد.^۵ ادبیات پهلوی در اواخر دوره ساسانی و عمدتاً در دوره اسلامی به زبان پهلوی نوشته شد که روحانیون زردشتی بنا بر اقتضای روزگار و حضور روزافزون باورهای گوناگون و نیز سامانمند کردن آموزه ها، سنت های شفاهی را به نگارش درآوردند. این متون از حیث موضوع متفاوت اند و شامل حقوقی (وندیداد)، اخلاقی (مینوی خرد)، کلامی (دینکرد)، دفاعیه (شکندگمانیک و چار) و روایتگر تاریخ

۱. اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، چاپ دهم، ۱۳۸۵، ص سی و شش.

۲. یسنا ۳۰: ۲.

3. azainti

4. Dhalla, Maneckji Nusservanji, *Zoroastrian Civilization: From the Earliest Times to the Downfall of the Last Zoroastrian Empire*, New York: Oxford University Press, 1922, p. 269.

۵. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴؛ یارشاطر، احسان، ادبیات ایران پیش از اسلام، زیر نظر ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۹۳، ص ۱۵۸.

(گزیده‌های زادسپرم) است. متون پهلوی از شیوه منظمی پیروی می‌کند تا وصفی منسجم از جهان، از آغاز تا پایان آن، به دست دهند. اگرچه ادبیات پهلوی، متونی مقدس نیستند و با روایت‌های اسطوره‌ای در هم آمیخته‌اند اما به لحاظ شرعی می‌توان آنها را دست دوم خواند.^۱ بیشتر نویسندگان متون پهلوی، غالباً سخن خود را به گفتار پیامبر دین و یا دانایان پیشین استوار می‌کنند؛^۲ و اغلب دربرگیرنده قطعاتی ترجمه شده از متون اوستایی مفقود شده هستند. پژوهشگران معتقدند^۳ زردشتی‌گری که توسط متون پهلوی ارائه شده ریشه‌هایش در خاک اوستا است. آثار پهلوی ادعا می‌کنند که نسک‌های اوستا پراکنده شده است اما سنت به طور شفاهی از پدر به پسر منتقل شده و فرازهایی از متون مقدس وجود دارد که افسانه‌ها و روایات قومی اوستایی آنها را به طور کامل خاموش نکرده است.^۴ بنابراین کتب مذهبی پهلوی، نمایانگر آموزه‌های اصلی زردشتی است که از روی اوستا نوشته شده و دربرگیرنده باورهای زردشتیان است.^۵

بنابر بسیاری از متون پهلوی، تمامی دانش‌ها از یک خرد واحد سرچشمه می‌گیرد که به سوی خداوند باز می‌گردد. دو اثر به ویژه در این زمینه اهمیت دارند: دینکرد ششم و مینوی خرد. در دینکرد ششم، «خرد» دانش درست و متناظر با آن رفتار درست در امور دینی است.^۶ موبدان به منظور دفاع از دین، تعلیم آموزه‌های آن، حفظ سنت‌ها و احکام دین، به تألیف آثار حکمی دینی پرداختند که می‌توان با بررسی آنها کنش دوسویه دین و خرد در زردشتی متأخر را با تکیه بر سنت خردگرای زردشت کاوید و در نتیجه به نیروی متحد دین و خرد پی برد.

۱. مولتون، جیمز هوپ، گنجینه مغان، ترجمه تیمور قادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۹۷.

۲. راشد محصل، محمد تقی، مقدمه وزیدگیهای زادسپرم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵، ص ۴.

۳. زور، رابرت چارلز، طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب، ۱۳۸۸، ص ۲۸؛ مولتون، گنجینه مغان، ص ۹۷.

4. Dhalla, Maneckji Nusservanji, *History of Zoroastrianism*, Bombay, The K. R. Cama Oriental Institute, 1963, p. 318.

۵. تفصیلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۱۴۶.

6. Rudolph, Kurt, "Wisdom in Iran and Zoroastrianism", *Encyclopedia of Religion*, Vol 14, Lindsay Jones(ed.), 2nd ed, Thomson Gale, 2005, p. 9752.

۲. کنش دوسویه دین و خرد بر اساس سلسله مراتب ظهور

در حالی که رابطه دین و خرد می‌تواند به صورت‌های گوناگونی نمایان شود، کنش دوسویه دین و خرد در زردشتی دال بر آن است که تمام این مراتب ریشه در خرد خداوند دارد و از خاستگاه خداست که جوهر خرد در عوالم گوناگون سریان دارد، و در هر مرتبه‌ای با جلوه پیشینی و پسینی خود ارتباطی تنگاتنگ دارد. درباره اهمیت فراگیر خرد، مینوی خرد مراتب مختلف کارکرد خرد را بر می‌شمارد^۱: از خرد است که جنین در شکم تندرست می‌ماند، گیاهان می‌رویند، و جهان پر از چیزهای نیکوست؛ از خرد است که خورشید و ماه و ستارگان مسیر معهود خود را دنبال می‌کنند، باران می‌بارد... پس خرد کلمه خداست که به جهان هستی می‌بخشد، و هستی آن را حفظ می‌کند؛ و این کلمه با دین یکی است. دین به‌عنوان کلمه خلاق خدا در نماز اهورنور خلاصه می‌شود، که در آغاز آفرینش بر زبان هر مزد جاری شد، و آن اثر را داشت که اهریمن را به یک آن برای سه هزار سال به جهان تاریک خویش فروافگند. خداوند با ادای کلمه جاویدان خویش، به دشمن شکست و نابودی نهائیش را، آفرینش جهان را، و فرشگرد آن را در پایان زمان فرا می‌نماید. آفرینش، تجلی خرد جاودانه خدا در دین است، و تجلی بیکرانگی او در ورای زمان کرانه‌مند است^۲. این تعاطی پیچیده دین و خرد را می‌توان در مؤلفه‌های مشخصی دسته‌بندی و تحلیل کرد:

۲-۱. همه آگاهی اورمزد

همه آگاهی مزداهورا در اوستا نمودهای فراوانی دارد^۳. از آغاز زردشت «از پی ستایش خلقت خرد مقدس مزدا دست‌ها را برای یاری خواستن بلند نموده...»^۴. بنا بر آموزه زردشت، خداوند سراسر نیکی است، آفریننده همه چیزهای نیک است.

۱. مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴، ۵۶: ۳۲-۱۱.

۲. زهر، تعالیم مغان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۹۳، صص. ۳-۸۲.

۳. گات‌ها، تألیف و ترجمه ابراهیم پورداود، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴، یسنا ۲۹: ۶؛ ۳۱: ۷، ۹، ۱۱؛ ۳۲: ۴؛ هر مزدیش، بند ۷؛ ویسپرد ۱۹: ۱.

۴. یسنا ۲۸: ۱.

اهوره مزدا به معنای «سرور خردمند»، خدای بزرگ است. او مظهر خرد و خود خرد است.^۱ در متون پهلوی نیز به پیروی از آموزه زردشت، بر دانایی خداوند با عنوان همه آگاهی هر مزد تأکید بسیار شده است: «فرزانگی و آگاهی آفریدگار همه آگاه نیکی آفرین کامل است، و پیش دانشی او از آنچه بایست بشود نیز کامل است».^۲ در شکندگمانی وزار که مردان فرخ جهت رفع شبهه در مسائل دینی و نفی و اثبات قضایا با توسل به ادله عقلی نگاشته است، اورمزد به باغبان دانایی تشبیه شده است که با خردمندی، باغستان میوه خود را از شر جانوران اهریمنی نگاهبانی می کند.^۳ «آفریدگار دانا خردمندانه برنامه کار را می ریزد، مطابق با درک و تشخیص درست، آفریدگان خود را از اهریمن که کارهایش تصادفی است و از عاقبت کار ناآگاه است برکنار می دارد».^۴

روایت غالب کتب پهلوی درباره همه آگاهی خداوند این است که اورمزد پیوسته با دانش و نیکویی بی کرانه خود در بالا بود و در مقابل اهریمن با جهل و خوی نابودگر خود در تاریکی، پس دانشی و ناآگاهی بود. «اورمزد، روشنی را مانند بیش از هر چیز که به دریافت حواس درآید و حال آنکه اهریمن به تاریکی و نادانی مانده است و میانجی بین آن دو مهر است و از این روست که ایرانیان او را «مهر میانجی» خوانند».^۵ مهر، ایزدی است که خویشکاری اصلی اش نظارت بر پیمان هاست. «پیش از آمدن جمشید به سلطنت، بر اثر غارت دیوان، آسن خرد در میان مردم نزار و ورن غالب بود. پیمان که منشعب از «آسن خرد» ایزدی است در «افراط» و «تفریط» منشعب از ورن دیوی از میان رفته بود. جم چاره پیمان آسن خردی ایزدی را از افراط و تفریط ورنی دیوی نگریست». پس از بازگردانیدن آن جمشید توانست اعتدال را در جهان برقرار کند به گونه ای که مرگ و پیری و تشنگی و گرسنگی و باد گرم و باد سرد در دوران

۱. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران، چشمه، ۱۳۸۶، صص ۴۲ و ۴۰.

۲. مردان فرخ، شکند گمانیک وزار، ترجمه صادق هدایت، جاویدان، ۱۳۲۲، باب هشتم.

۳. همان، باب چهارم، ۶۳-۸۰.

۴. همان، باب هشتم.

۵. زهر، طلوع و غروب زرتشتی گری، ص ۱۷۷.

پادشاهی او نبود^۱. بنابراین نخستین و بنیادی‌ترین شکل خرد، خرد همه‌آگاه^۲ یا دانش اورمزدی که در آن تاریکی و نادانی نیست و تنها از آن هر مزد، خدای خرد و همه‌آگاهی است که صفت اصلی‌اش دانایی است.

بسیاری از مستشرقان معتقدند «او خداوند خرد است که می‌توان گفت ویژگی اصلی اهورامزدا است. در فصلی از آیین اوستایی که هر روز خوانده می‌شد، اهورامزدا درباره خود می‌گوید: «نام ششم من، خرد است، هفتمین نام من، خردمند، هشتمین نام من، دانایی، نهمین من دانا،... بیستم: منم نامبردار به مزدا. ... دانا نام من است. داناترین، نام من است»^۳. اهورامزدا دانای مطلق است. او در همه حال آفریدگاری آگاه نشان داده می‌شود، در حالی که انگره‌مینو، مخالف او، با جهل خلق می‌کند»^۴ کارتر در نتیجه‌گیری خویش به صراحت بیان می‌کند که «بنابراین، ما احتمالاً مدیون برخی از عالی‌ترین و معنوی‌ترین مفاهیمی هستیم که از دین زردشتی به یهودیت آمد و از یهودیت به مسیحیت رسید. یهودیان نه تنها تحت تأثیر تماس با دین ایرانی بودند، بلکه تحت تأثیر کسانی بودند که به یهودیت گرویدند. همچنان که امروزه نیز هنگامی که شخصی از دینی به دین دیگری می‌گردد، برخی از تأثیرات گذشته خود را به دین جدید وارد می‌کند، به هم‌ی‌ن نحو، خود این واقعیت که بسیاری از ایرانیان یهودی شدند، به نفع پیشرفت یا پذیرش باورهایی است که برای یهودیت نامعلوم بود»^۵.

مولتون نیز با مقایسه زردشتی اولیه و اسرائیل باستان معتقد است که نام الهی پروردگار حکیم نزدیک به مفهوم‌های کتاب مقدس است. مفهوم حکمت در عهد عتیق به‌عنوان یک ویژگی کاملاً عملی و اخلاقی به‌خوبی در دیدگاه زردشت پاسخ می‌یابد، دیدگاهی که در آن جایی برای دانش صرفاً محض یا نظری وجود ندارد. «عالم مطلق بودن خالق» نکته‌ای است که زردشت آن را بسیار برجسته کرده است و جای هیچ

۱. مینوی خرد، ص ۱۲۴.

2. xrad ī harwisp-āgāh

۳. هر مزد یشت، ۱: ۷، ۸، ۱۵.

4. Carter, G. William, *Zoroastrianism and Judaism*, Boston, The Gorham Press, 1918, p. 42.

5. Ibid, p. 106.

سوالی همانند تقریرهای ایوب^۱، وجود ندارد. این آموزه به روشنی در زمان‌های بعد رشد یافت، زمانی که این صفت خدا چنان آشکار بود که جهل و بی‌بصیرتی ویژگی‌های اصلی روح شر شدند که ضد خودکار خیر در تمام عملکردهای او بودند. پیشرفت موازی دیگر، در مفهوم خرد یا حکمتی است که خداوند به انسان می‌دهد؛ در کتاب مقدس، این حکمت، ترس از خداوند است، دانش چگونگی زیستن مطابق با اراده و خواست خداوند. در امثال، حکمت به گونه‌ای تشخیص یافته است که ما را به شدت به یاد آرمیتی می‌اندازد، که پلوتارک از آن همچون سوفیا یاد می‌کند.^۲

۲-۲. خرد ذاتی^۳

در مرتبه پس از خرد کامل خداوند، خردی تجلی دارد که برترین جلوه اهوره مزدا پس از سپندمینو است: «بهمن در پایان جهان کردار مردمان را می‌سنجد و راهنمای زردشت به سوی اهوره مزدا است. معنای نام او اندیشه و منش نیکو است و خود پشتیبان انسان است»^۴. خرد ذاتی در سنت زردشتی جلوه‌های گوناگونی دارد: «در هنگامیکه تو ای مزدا در روز نخست از خرد خویش بشر و دین و قوه اندیشه آفریدی»^۵، همچنین در ارت‌یشت^۶، در مهریشت^۷.

در ادبیات پهلوی، خرد یک ذات یا شخصی آسمانی است و «روح خرد» در اثری با همین نام ظاهر می‌شود. خرد در مینوی خرد به مثابه یکی از «جاودانان مقدس» دیده می‌شود. نویسنده مینوی خرد بیش از دیگر امشاسپندان، به درگاه خرد دعا می‌کند و خواستار اوست: «و به مینوی خرد نماز و پرستش بیشتر کرد تا به دیگر امشاسپندان»^۸، او،

۱. کتاب مقدس، ایوب، فصل ۲۸.

۲. Moulton, James Hope, *Early Zoroastrianism*, London, Constable & Company LTD., 1926, p. 290.

۳. āšn xrad

۴. بهار، ۱۳۸۶، ص ۴۱.

۵. یسنا ۳۱: ۱۱.

۶. بند ۲.

۷. بند ۱۰۷.

۸. مینوی خرد، ص ۵۳.

«خرد اصلی (آسن خرد) آسمان‌ها و جهان است»؛ با اورمزد ساکن می‌شود و تمام خردها را در خودش به هم می‌پیوندد.^۱ مهم‌ترین کارکرد خرد، راهنمایی و یا مانند مینوی خرد می‌تواند وحی باشد. پس از مقدمه، شصت و دو فصل می‌آید که با پرسش‌های «مردی خردمند» ناشناس آغاز می‌شود که **خرد** به او پاسخ می‌دهد؛ یک مجموعه زنده یا دستور مذهبی زردشتی که وثاقت‌اش را از خرد آسمانی خداوند می‌گیرد. «مرد خردمند»ی که مطالب خود را منتقل می‌کند، ظاهراً نماینده‌ای از جامعه یا موبدان زردشتی است. او در سراسر جهان سرگردان بود... شهر به شهر، در جستجوی خرد می‌گشت، سرانجام فهمید که خرد واقعی را باید در دین‌اش بیابد. آنگاه این خرد به صورت جسمانی به مثابه روح خرد اورمزدی (مینوی خرد) بر او ظاهر شد و به او تعلیم داد. «محتمل‌ترین معادل این خرد در اوستا و هومنه یا منش نیک است. «آسن خرد» یا «خرد آغازین یا ذاتی»^۲ در ارتباط با مفهوم زردشتی دین (هوش دریافتن دین مزدیسنی یا هوش دریافت دین مزدپرستی) آمده است»^۳.

انسان به مثابه برترین مخلوق مزدا، خود جزوی از جهان است، بنابراین خرد ذاتی در انسان نمایانگر وجود پیشینی خرد ذاتی در جهان است؛ «اورمزد این آفریدگان در گیتی را به «خرد غریزی» آفریده است. و اداره گیتی و مینو به خرد است»^۴. مینوی خرد خویشکاری‌های پیشینی و پسینی روح مقدس خرد را برمی‌شمارد: «از نخست من که «خرد غریزی» هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم. و آفریدگار اورمزد ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را به نیرو و دانایی «آسن خرد» آفرید و نگاه می‌دارد و اداره می‌کند و در سر فرشگرد اهرمن و فرزندانش را به نیروی خرد بیشتر می‌توان نابود کرد و سوشیانس با کیخسرو و آنان که رستاخیز کنند به سبب یاری خرد (این کار را) بهتر می‌توانند انجام دهند»^۵.

۱. همان، ۳:۵۷-۳۲-۳.

۲. āsnō khratush در یسنا ۲۲:۲۵ و ۲۵:۶.

3. Rudolph, "Wisdom in Iran and Zoroastrianism", p. 9752.

۴. مینوی خرد، ۴۹-۵۰.

۵. همان، ۷:۵۶-۱.

از آنجا که خاستگاه اصلی خرد، خداوند است^۱، آنچه او می آفریند نیز، دارای خرد است. بنابراین پس از مرتبه خرد همه آگاه که تنها از آن خداوند است^۲، خرد همچون روحی مقدس در تمام عوالم سریان دارد. در جهان گیتی، اهوره مزدا این خرد ذاتی را با منش خویش به نیکان می بخشد و در مینو، سرچشمه خرد غریزی یا آسن خرد است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است. «تشخص آرمئیتی در زردشتی زنانه است و روحی را به تصویر می کشد که به طور ویژه ای با خداوند همراه است، در عبارت پسا-گاتهای، آرمئیتی دختر اهورامزدا است. کسانی که این فکر را دارند، مشاهده می کنند که او از زمان آریایی به ویژه محافظ زمین بوده است»^۳.

نکته نهفته درباره خرد ذاتی این است که اهورامزدا آن را در مخلوقات به ودیعه نهاد و این خرد ذاتی همچون فطرت الهی به سوی دین و ایمان به خداوند رهنمون می کند. این تعاطی دین و خرد در دو ساحت «همه آگاهی هر مزد» و «خرد ذاتی» را می توان از بندهش نیز استنباط کرد: «به بهدین آنگونه پیداست (که) هر مزد فراز پایه، با همه-آگاهی و بهی، زمانی بیکرانه در روشنی می بود. آن همه-آگاهی و بهی را زمان بیکرانه است؛ چون، هر مزد و گاه و دین و زمان هر مزد بودند، (هستند و خواهند بود)»^۴. هر مزد به همه آگاهی می دانست که اهریمن هست، و تازش خواهد آورد... هر مزد به همه آگاهی دانست که اگر زمان کارزار را تعیین نکند، اهریمن تواند آنچه را که تهدید کرد با آفریدگان او بکند. از آفریدگان مادی هر مزد نخست آسمان را آفرید، و از روش نیک و روشنی مادی بهمن را آفرید که با آن دین بهی مزدیسنان هر مزد همراه بود. مینوی آسمان، اندیشمند و سخنور و کُشمنند و آگاه و افزونگر و برگزیننده است^۵. «آفریدگار بسیار نیک این مخلوقات را به خرد آفرید و آنان را به خرد نگاه می دارد و به سبب افزار

۱. یسنا ۳۱: ۷؛ هر مزد پشت: «آنگاه اهوره مزدا گفت: ... منم سرچشمه دانش و آگاهی.» ۱: ۷.

۲. فرنیغ دادگی، بندهش، گزارنده مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹، ۵: ۴۱؛ گزیده های زادسپرم، ترجمه محمد تقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶، ۲۲: ۷.

3. Moulton, *Early Zoroastrianism*, p. 291.

۴. بندهش، بخش نخست، ۳۳.

۵. همان، ص ۴۰.

(قدرت) خرد که سودبخش‌ترین است، آنان را پایدار و بی‌دشمن، به جاودانگی همیشگی، از آن خود کند»^۱.

۲-۳. فلسفه پیدایش هستی

اگر فلسفه بنا به تعریفی «بررسی سرشت هستی و علل و قوانین تمام چیزها» باشد، پس می‌توان گفت که دین زردشتی قویاً دینی فلسفی است.^۲ البته در تحلیل کنش دوسویه دین و خرد در سلسله مراتب ظهورشان باید توجه داشت که مقصود از دین، مفهوم کلی «گوهر دین» است، و معنایی فراتر از آیین و مذهب دارد. ارتباط دین و خرد در ساحت آفرینش ریشه در «خرد مینوی جهان‌ساز»^۳ دارد.

در آموزش‌های زردشت، مقصود از آفرینش و نتیجه زندگی آن است که آدمی در آباد کردن جهان و شادمانی خود و دیگران بکوشد و با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک، خود را شایسته رسیدن به اوج کمال و پیوستن به بهروزی جاودانی نشان دهد.^۴ در سنت زردشتی، دو مینوی همزاد سپنتامینو و انگره‌مینو مطرح‌اند که سپنتامینو اگرچه از خود اهورامزداست^۵ در عین حال غیر از اوست.^۶ آنجا که دو روح چون دو همزاد مشخص شده‌اند اشاره به حالتی پیش از آفرینش جهان است، و آنجا که در گاتها روح مقدس خاصیت دگر بودن مطلق خود را در برابر رقیبش تأکید می‌کند، موضوع مشخص ساختن فعالیت دو رقیب در جهان می‌باشد؛ بنابراین نسبت دادن شر به اهورامزدا نیز از میان می‌رود. دینکرد درباره جوهر دین بهی و نسبت آن با خرد

۱. مقدمه مینوی خرد، بندهای ۱۳-۱.

۲. بویس، مری (و دیگران)، جستاری در فلسفه زردشتی (مجموعه مقالات)، مترجمان سعید زارع، سعیدرضا منتظری، نیلوفر السادت نواب، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸، ص. ۸۵.

۳. یسنا ۳۱: ۹.

۴. دوستخواه، ۱۳۸۵، سی و هفت.

۵. «در آن روز واپسینکه تو با خرد مقدس خود ای مزدا... با آنجا خواهی آمد... حکمت تو را کسی نتواند فریفتن» یسنا ۴۳: ۶.

۶. یسنا ۳۳: ۱۲.

۷. موله، ماریان، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۶۳، ص ۵۶.

خداوند استدلال می‌کند: «جوهر دین بهی خرد هر مزد است، و در خرد اوست دادن، دانستن و کردن. ماده آن همه آگاهی است و درست‌کرداری نسبت به همه چیز، و دادن به هر چیز آن چه را که مناسب آن است: این خیم هر مزد است و خویشکاری او درمان بخشیدن به آفرینش است. با شناخت قوت‌هایی که در چیزهاست، و به کار گرفتن همه آفرینش بنحو مطلوب، و با درمان بخشیدن و رها ساختنش از شر دشمن، به نظم ابدی و نیکبختی کامل دست می‌یابد»^۱. در دینکرد ششم آمده است که بنابر عقیده ایرانیان قدیم پدیدآورنده انسان هر مزد است، هر مزد انسان را به وجود می‌آورد تا در زمین به کارهای نیک مزدایی پردازد و به این وسیله نیروی وی را در برابر اهریمن تقویت کند و باز به سوی او برگردد. وظیفه هر فرد این است که برای تفوق هر مزد بر اهریمن و نجات خویش، در گفتار و کردار و اندیشه نیک باشد^۲. از این رو «خرد، دانایی، فرزاندگی، فرهنگ و اصطلاحات مشابه، جای برجسته‌ای در میان اندرزا دارند و بخشی از نظام دینی اورمزد را تشکیل می‌دهند که از طریق آن جهان را آفریده و پاییده است و سرانجام، در پایان جهان، بدان شاد می‌شود. تفسیر این سخن در بند ۳۱۲ دینکرد با جایگزینی «دانایی» به جای «خرد» و تفسیر اخلاقی و فرجام‌شناسی آن در بند ۳۱۳ که «خرد» با «آزمایش آتش» مقایسه می‌شود، انجام می‌گیرد. دانایی یا دانش پیشنیاز «دین» است و تمایز اساسی میان دو نیروی اورمزدی و اهریمنی برقرار می‌سازد: «خواست اورمزد از مردم آن است که او را بشناسند، چه با این شناسایی، از او پیروی می‌کنند، اما خواست اهریمن آن است که او را نشناسند، چه ماهیت وجودی او بر مردم آشکار نمی‌شود»^۳.

در گزیده‌های زادسپرم ضدیت دو جهان روشنی و تاریکی، معادل آگاهی و ناآگاهی در گوهر و طبیعت خود است (۱: ۲). اهریمن در متون پهلوی نسبت به اوستا قدرت بیشتری یافته است: «اورمزد با خرد مینوی دید که: اگر زمان ستیز بریده نباشد، اهریمن بر

۱. زهر، تعالیم مغان، ص ۹۰.

۲. فره‌وشی، بهرام، چند اندرز از دینکرت، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۴۲، ص ۴۸.

۳. میرفخرایی، مهشید، بررسی دینکرد ششم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲، ص ۱۱.

انجام دادن آن چه تهدید کرد، تواناست»^۱؛ از این رو اورمزد در پی پیمان بستن با اوست، زیرا نگران از بین رفتن آفرینش توسط اهریمن است. پس نخستین تدبیر اورمزد، یاری خواستن از زمان است.^۲ «با رواج زمان، اورمزد و اهریمن هر دو توانا شدند که آفریدگان مادی متحرک خویش را کمال بخشند. با پدید آمدن دو آفرینش نیک و بد، پیکار جهان آمیخته سر می‌گیرد و زندگی رواج می‌یابد»^۳.

«زردشت نیک مطلق و بی‌نهایتی را طرح ریخته که جز نیکی از آن سر نمی‌زند و لذا باید اصل دومی را ابداع می‌کرد تا بی‌نظمی کیهان و نگونبختی‌های زندگانی را با آن توضیح دهد. دو گانه‌باوری گرایش بسیار دیرینه‌ای بود که به‌اشکالی گوناگون درمی‌آمد، بویژه به‌شکل ستیزه‌جویانه»^۴. در برخی متون همچون زند اوستا، انگره‌مینویو و اهورامزدا در مقابل هم نیستند؛ این عالم تجلی اهورامزداست. اما در متون پهلوی، هرمزد و اهریمن در برابر هم قرار دارند. اهورامزدا این عالم را شکل مادی می‌دهد تا انسان‌ها بتوانند با اهریمن مبارزه کنند. بنابراین دنیای مادی در فلسفه ایران قدیم عرصه جنگ دیوان و ایزدان و عوامل آنهاست.^۵ در این نظام آفرینش سه زمان مهم وجود دارد: آفرینش، رواج دین و فرشگرد کرداری؛ برای نشان دادن پیوند این سه زمان، زادسپرم تمثیل خانه را به کار برده است: آفرینش به‌زمین خانه می‌ماند، رواج دین به‌دیوارهای آن و فرشگرد به‌اشکوب؛^۶ این هر سه گاه بنیادی جهان، با خرد رابطه‌ای مستقیم دارند. بنابراین پیوستگی هدفداری میان آفرینش و دین مزدیسنی وجود دارد. در قطعه‌ای که دومناش کشف کرده است، هرمزد می‌گوید: «من، دین، و کلمه (برای همیشه هستیم). دین کنش هرمزد است؛ کلمه ایمان اوست. دین بر کلمه برتری دارد، زیرا کنش برتر از گفتار است.» از نظر زرنر این قطعه می‌گوید که دین مفهومی بزرگتر از کلمه (اهونور)

۱. گزیده‌های زادسپرم، ۸:۱ و ۱۲:۱.

۲. همان، ۱:۱۰.

۳. همان، ۷۳.

۴. دوشن‌گیمن، ژاک، اورمزد و اهریمن، ترجمه عباس باقری، تهران، فرزانه‌روز، ۱۳۷۸، ص ۳.

۵. فره‌وشی، چند اندرز از دینکرت، ص ۴۶.

۶. گزیده‌های زادسپرم، ۳۴: ۲۱ و ۲۲.

است و دارای هستی ابدی و نیز زمانی است. پس، اوستا به عنوان تجلی دین بر روی زمین، المثنای زمینی یک نمونه مینوئی و ابدی در جهان بالاست؛ تجلی خرد خداوندی بر زردشت بر روی زمین است. «دین بهی» که زردشت وسیله ابلاغ آن است کاملاً با اوستا یکی نیست: آن یک کتاب نیست، بلکه بیشتر یک اصل است.^۱ از این رو در متون پهلوی^۲ مؤلفان در آغاز کتاب‌هایشان همراه با ستایش اورمزد و خرد، عمدتاً دین مزدیسنی را ستایش کرده‌اند، زیرا از نظر آنان به دین مزدیسنی در پیوستگی جاودانی با خرد اورمزد است.

۲-۴. به دین مزدیسنی

برای تحلیل کنش دوسویه دین و خرد در زردشتی متأخر باید از آموزه‌های خود زردشت بهره برد. زردشت «دلنگرانیهایی سوای گفت و گوهای نظری دارد. رسالت او، عمل و واداشتن به عمل است»^۳. گاتها را نمی‌توان متنی اسطوره‌ای یا فلسفی دانست در حالی که متون پهلوی روایتگر متونی‌اند که در مواجهه با طیف گسترده‌ای از باورهای دوره ساسانی، نه تنها تفسیر و تلخیص متون اوستایی است؛ بلکه با دربر داشتن مفاهیم اصلی متون اوستایی، بنیان‌های منطقی و فلسفی برای دفاع زردشتی‌گری پی‌ریزی کرده‌اند. کارکرد دینیاران بیش از هر چیز، پاسخگویی به مسائل روزگار بر مبنای اصول خردمندانه دین زردشتی بود. اصطلاح «به‌دین» را نیز شاپور با مشاوره روحانیون و موبدان پدید آورد.^۴

پیوند دین و خرد در زردشتی اولیه، پایه‌ای بوده است، زیرا زردشت در همپسنگی با اهورامزدا می‌سراید که من با دانش و گرایش خویش، به دین تو روی می‌آورم.^۵ بنابراین، این یزش، دانش و گرایش زردشت، همان خرد ذاتی است که سبب روی آوری وی

۱. زهر، تعالیم مغان، ص ۸۳

۲. مینوی خرد، بندهای ۱۳-۱.

۳. دوشن‌گیمن، اورمزد و اهریمن، ص ۳۹.

4. Dhalla, *Zoroastrian Civilization*, p. 332.

۵. «من میکوشم ای مزدا که ترا بتوسط خرد مقدس آفریدگار کلّ بشناسم.» یسنا ۴۴: ۷، و نیز همانجا: ۱۰.

به دین اهورامزدا شده است؛ این یکی از جلوه‌های مهم تعاطی دین و خرد در ساحت دین‌ورزی است که نمایانگر آن است که خرد به نوبه خود سبب گرایش به دین است. پیوستگی دین و خرد در واژه «دنا» نیز کاملاً مشهود است.^۱ واژه «دنا» همچنانکه با روح آدمی و خود خویشتن ارتباط دارد، به معنای دین نیز آمده است.^۲ این خود اصیل نیز بر مبنای عقل سلیم همواره آدمی را مشتاق به ساحت وجودی متعالی ساخته و به دین‌داری فرا می‌خواند. در مقدمه دینکرد هفتم، نویسنده اینگونه آغاز می‌کند: «ستایش دادار هر مزد را با آفرین کامل دین مزدیسنان آراسته به همه آگاهی‌ها اندر جهان. پس از دین مزدیسنان پیداست که چهر دین به: خوی اورمزد است. و نیاز به تفسیر آن با اندیشمندی اندر زمان خویش و بوسیله آن (دین) شکست دادن دروج... و نخستین اندیشه و آموزش دادار، دین کامل اورمزد بود که نخستین سخن است».^۳ به دین مزدیسنی از اساس با خرد ذاتی یکی است: «به دینی دانایی (خرد) ذاتی است: و صورتها و هنرهای دانایی ذاتی با دانایی ذاتی از یک ریشه‌اند. این صورتها را بهمن (منش نیک) و مینوی مقدس (هرمزد) به وجود آورده‌اند. زیرا که تخم اصلی به دینی سپند مینو است. به دینی در دانایی، مطابقت با دانایی، در آنچه ماده آن دانایی و صورتش دانایی باشد، در کنش دانایانه، در پیشرفت نیک مطابق دانایی، در روشنی که بمثل دانایی است، و در همه سودی که به آفریدگان نیک به سبب آنکه از سپند مینو پدید آمده‌اند، متجلی است. قلمرو روایی دین بهی در حالت پاکی و نیالودگیش، به علت ذاتی بودن نیکی و پاکی آن، در امشاسپندان است که خرد و دانایی ذاتی در وجودشان فرمانروایی مطلق دارد».^۴ بنابراین امشاسپندان نیز تجلیات خرد اهورامزدایند که در اتصال کامل با به دین مزدیسنی‌اند.

از دیگر متون نمایانگر کنش دوسویه دین و خرد، شگند گمانی وزار است که نویسنده در باب اول می‌گوید، در همه ادیان و مذاهب زمان خود جستجو نموده و در

۱. یسنا ۴۴: ۹.

2. Moulton, *Early Zoroastrianism*, p. 368.

۳. بندهای ۳ و ۴، ص ۱۹۷.

۴. دینکرد، ص ۱۱۷.

نهایت دستچینی از یادداشت‌های دانایان پیشین را برای آرزومندان راستی تحقیق نموده است.^۱ «برای شناسایی ایزد و دین و اراده او پیوسته دلگرم به جستجو و پرسش کننده بودم؛ چه من آن دینی که از سابق بر جای مانده بود نپسندیدم، مگر آن خواستم که به‌خرد و گواهی قابل قبول‌تر باشد. بنابراین، مذاهب و فرقه‌های مختلف را آزمودم تا اینکه به‌لطف خداوند و به‌نیرو و فره و توان دین بهی، از ورطه تاریکی، و از شکها که به‌زحمت خود را از آنها رها ساختم، نجات یافتم. و به‌نیروی این دانش دینی... رهایی پیدا کردم.^۲ بنابراین مردان فرخ به‌دستگیری خرد، به‌دین روی آورده است.

زادسپرم «آمدن دین به‌زمانه» را مانند تخم‌پذیری نطفه‌گان می‌داند: «آمدن دین به‌زمین، مانند فرزندزایی است»^۳. به‌باور زادسپرم دین، «یک حقیقت جوهری هستی» است که دارای دو صورت است: «مینوی»، در آغاز آفرینش و «مادی»، زمانی که زردشت آن را آشکار می‌کند.^۴ آموزش‌های زردشت، آدمی را آفریده پاک اهوره‌مزدا و همکار آفریدگار در گسترش آفرینش و پیکار با نیروهای اهریمنی می‌داند.^۵ دین برای راهنمایی انسان آفریده شده است. خداوند انسان را صاحب خرد می‌سازد تا بتواند آزادانه راه آشه را برگزیند، پس انسان مختار است. هر مزد و انسان هر دو صاحب خردند.^۶ رابطه آفرینش خردمندانه هر مزد با دین بهی در مسئولیتی است که انسان باید از طریق خردی که خداوند به‌او ارزانی داشته، بپذیرد. بنابراین خویشکاری اساسی خرد همه آگاه و پیوند آن با اراده آدمی آشکار می‌شود: مردمان به‌یاری خرد همه آگاه، در سرنوشت خویش دخیل‌اند و باید خواستار خرد باشند.

۲-۵. خردخواهی

در همپرسگی زردشت با اهورامزدا افزون بر خرد ذاتی به‌خردی آموختنی نیز اشاره

۱. ۳۵-۳۸.

۲. باب دهم: ۴۳-۴۷.

۳. گزیده‌های زادسپرم، ۴: ۱.

۴. همان، ۳: ۱-۸.

۵. دوستخواه، اوستا، سی‌وهفت.

۶. بهار، ادیان آسیایی، ص ۴۳.

شده است.^۱ در ادبیات دینی زردشتی، افزون بر خرد غریزی، خرد اکتسابی نیز از جمله مؤلفه‌های کنش دوسویه دین و خرد است. پاسخ مینوی خرد به دانای پرسنده درباره برترین خواسته آن است که «خرد بهتر از همه خواسته‌هایی است که در جهان است»^۲ و بر گستردگی کاربرد خرد و فراگیری آن در زمینه دین و دنیا تأکید می‌کند: «از من، مینوی خرد، تعلیم خواه تا ترا به سوی خشنودی ایزدان و نیکان، و در گیتی به نگاهداری تن و در مینو به رستگاری روان راهنما باشم».^۳ دانای پرسنده به خواستاری خرد در این جهان شهر به شهر و ناحیه به ناحیه در آمد... پس از آن در جستجو و عمل دین کوشا شد و از دستورانی که در دین داناتر بودند، پرسید که برای نگاهداری تن و نجات روان چه چیز بهتر و برتر است. و آنان بنابر آنچه در دین معلوم شده است گفتند که از همه نیکیا که به مردمان می‌رسد **خرد** بهتر است زیرا که گیتی را به نیروی خرد می‌توان اداره کرد و مینو را هم به نیروی خرد می‌توان از آن خود کرد.^۴ بنابراین دین به خرد رهنمون می‌کند؛ زیرا خرد، گوهری است که در هر دو سرای گیتی و مینو دستگیری می‌کند.

چیزی که اساطیر زردشتی را به‌ویژه از هند جدا می‌کند، مسئله مسئولیتی است که بر دوش فرد گذاشته می‌شود تا به‌اختیار خویش انتخاب کند که در کنار نور بایستد.^۵ شاید یکی از عللی که سبب شده تقریباً سه چهارم اوستای دوره ساسانی از میان برود این بوده است که قسمت عظیمی از نسک‌های اوستا که اکنون در دست نیست، بنا بر آنچه از دینکرد بر می‌آید، به‌دست تنظیم‌دهندگان اوستای دوره ساسانی نوشته یا گردآوری شده و محتوی اشاراتی درباره آیین زروانی بود که دو علت بزرگ این تغییر و انقلاب در مبانی عقاید متکلمان عبارتند از یک اساطیر ابتدایی زروانی که می‌توانست وسیله خوبی در دست دشمنان و پیروان سایر ادیان باشد و دلیل بزرگتر اینکه نظریه

۱. یسنا ۴۴: ۸.

۲. مینوی خرد، ۴۶: ۶.

۳. همان، ۶۰.

۴. مقدمه مؤلف، بندهای ۴۸-۴۲.

۵. کمبل، ژوزف، اساطیر ایران و ادای دین، ترجمه علی اصغر بهرامی، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱،

ص ۷۱.

فلسفی زروان موجب ظهور عقیده جبری شدیدی شده بود که برای بقای آیین زردشتی خطرناک بود.^۱ زادسپرم با وجود اندیشه‌های زروانی، بر خرد تاکید بسیار دارد؛^۲ همچنین زادسپرم اراده انسان را کاملاً نفی نکرده است زیرا از نظر وی «رتبه به دست آمده در این کره‌ی خاکی که خود به آسمان نیز کشیده می‌شود، نتیجه لیاقت است». بر اساس لیاقت، عضویت در سه طبقه موبدی، ارتشتاری و واستریوشی و همچنین رستگاری و عذاب ابدی نه به تقدیر یا وراثت، بلکه به قلمرو عمل اختصاص دارد؛^۳ همانا مقام این جهانی انسان هر چه که باشد، در دنیای دیگر نیز ادامه می‌یابد.^۴ زادسپرم در سنجش میان «جهان اکبر» با «جهان اصغر»، بدن آدمی را با سپهر قیاس می‌کند: «ساخت همه مردمان اصلاً به وسیله چهار است: تنی، جانی، دانشی و روانی. هر یکی را سه بخش است...». دانشی سه بخش دارد: «ویر (درک و دریافت)، خواهد، هوش، باید (نگهدارد) و خرد، گزیند (انتخاب کند)».^۵ انتخاب و اختیار آدمی یکی از مؤلفه‌های متصل بودن دین و خرد در ساحت خرد اکتسابی است و نشان‌دهنده «خویشکاری انسان» در دین زردشتی است. در زردشتی متأخر انسان کارکرد مهمی در مبارزه هر مزد و اهریمن دارد، زیرا در اسطوره‌های ایرانی، به‌شر از دیدگاه کیهانی نگریده می‌شود که مقدم بر سقوط انسان است و در واقع سقوط انسان اوج فرآیند آن است.^۶ «عقیده اساسی این است که تاریخ جهان تاریخ جدال میان خیر و شر است. در این نبرد انسان اساساً یاور خداست. وی نه برای بازی آفریده شده است، همانند بعضی از سنتهای هندو، و نه موجودی است که تجلی گاه شکوه خدا باشد. خدا به انسان نیاز دارد، همان‌طور که انسان به خدا».^۷

متون پهلوی ضمن خویشکاری آفرینش هر مزد به دانائی، چگونگی و علت آفرینش

۱. کریستن سن، آرتور، مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶، ص ۱۳۹.
۲. گزیده‌های زادسپرم، ۳۰: ۳۹.
۳. زهر، رابرت چارلز، زروان یا معمای زرتشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵، ص ۳۹۴.
۴. گزیده‌های زادسپرم، فصل ۳۲ و ۳۳.
۵. همان، ۳۰: ۱-۲ و ۳۶.
۶. کمبل، اساطیر ایران و ادای دین، ص ۳۴.
۷. هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه، ۱۳۶۸، ص ۹۵.

آفریدگان برای نبرد را نیز بیان می‌کنند^۱؛ این نبرد نمادین، همان بزرگ‌سودی و ارجمندی خرد است: «دانا این را دانست که همه کارهای نیک و اعمال خوب را به نیروی خرد می‌توان از آن خود کرد»^۲؛ و «پادشاهای نو نو به‌دارنده خرد (رسد)، از راه یافتن سود دو جهانی به فراوانی، که (خرد) شفابخشترین است برای تن و روان»^۳. بنابراین بنا بر این در مرتبه خردخواهی نیز میان دین و خرد سازش وجود دارد: «تقویت ایمان، یقین به دین و هستی ایزدان و نیستی دیوان و در نتیجه رستگاری روان با رفتن به هیربدستان و آموختن که در واقع همان خرد اکتسابی است، میسر می‌شود»^۴.

۲-۶. خوی آراستن

از آنجا که خداوند به انسان خرد بخشیده است: «از خرد خویش، بشر و دین و قوه اندی‌شه آفریدی»^۵ تا آزادانه راه آشه را برگزیند، پس انسان صاحب اراده است. «یک خصوصیت اندیشه زردشتی در تمام ادوار، این است که میان تصور آنان از عالم الهی با کیهان‌شناخت و ساختار جهان از یک سو و با تکالیف اخلاقی فردی از سوی دیگر پیوستگی شدیدی است»^۶. در اوستا در دنباله بحث کیهان‌شناسی^۷، انسان‌شناسی مطرح است که مبتنی بر انتخاب آدمی از میان اشته و دروج است. آفرینش کیهان که در محدوده زمان انجام می‌گیرد، هدفی جز یاری جبهه نیک این نبرد ندارد. این نقش را به‌طور ویژه انسان بر عهده دارد که قرار است در این نبرد رهبر همه آفریدگان باشد^۸. زادسپرم همانند ساختار اوستایی، در میان روایت‌های کیهان‌شناسی در فصل نخست، از اصول کلی کیهان‌شناسی برای تطبیق تعالیم دینی و حکمی بهره برده است؛ چنانکه

۱. بندهش، بخش چهارم، ۳۱.

۲. همان، ۵۴-۵۱.

۳. مینوی خرد، بندهای ۸-۹.

۴. دینکرد، بندهای ۸۴، ۹۸.

۵. یسنا ۳۱: ۱۱.

۶. شاکد، شائول، تحول ثنویت، ترجمه سید احمدرضا قائم‌مقامی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱.

۷. یسنا ۳۰ بند ۴-۳.

۸. موله، آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان، ترجمه محمد میرزایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۵، ص ۵۲۳.

در ارتباط با خدایی اورمزد، به نکات اخلاقی اشاره دارد. زادسپرم فرشگرد را در زمانی می‌داند که سه ویژگی بنیادی نماز اهورنور تحقق یابد^۱، این امر اهمیت «کلام خداوند» را می‌رساند.

۲-۶-۱. پیمان یا تعادل

نظم جهان مرتبط با «خرد مینوی» جهان‌ساز^۲ و خرد ذاتی است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است^۳؛ این آسن خرد ایزدی سرچشمه تعادلی است که بر جهان جهان حکمفرماست و در دین معادل «پیمان» است.

تمامی اخلاقیات زردشتی در دوره متاخر ساسانی مبتنی بر اصل عقیده راه میانه یا اعتدال است که هر فضیلتی را میانه دو جانب افراط و تفریط، میان دو خصلت وابسته متقابل (همیستار) می‌بیند. بنابراین، چکیده اخلاق زردشتی قانون اعتدال و رفتار نیک است. مقابله با «دروغ» یعنی مقابله با دو حد افراط و تفریط، که به نوبه خود دو جنبه ورن است که می‌تواند هم معنای شهوت و هم بدعت‌گرایی و اشموعی (الحاد) داشته باشد. در متون کلامی همچون شگند گمانی وزار یا دینکرد، ورن منحصرأ به معنای بدعت و اشموعی در برابر دین آمده است^۴.

نویسنده شگندگمانی وزار دین بهی را به درختی مانند می‌کند که یادآور کهن الگوی درخت مقدس است: «دین همه آگاه مانند درختی تنومند است» که تنه آن راه میانه است؛ دو شاخه اصلی آن اوامر و نواهی دینی (کنش و پرهیز) هستند، و سه شاخه کوچکترش اصول سه‌گانه، اندیشه نیک (هومت)، گفتار نیک (هُوخت) و کردار نیک (هُورشت) است، و چهار شاخه فرعی چهار طبقه دینی است که با آن زندگی دینی و دنیایی سامان می‌پذیرد. در عالم صغیر که انسان است (چهار چیز) وجود دارد که با چهار طبقه مردم در روی زمین مطابقت می‌کند. همین‌طور چهار خصلتی که در انسان

۱. گزیده‌های زادسپرم، ۱: ۱۳-۱۹.

۲. یسنا ۳۱: ۹؛ ۴۴: ۷.

۳. مینوی خرد، ۵۶: ۵-۱.

۴. زهر، تعالیم مغان، ص ۸۴.

هست، یعنی میانه‌روی، شکیبایی، خردورزی، کوشایی {با چهار طبقه اجتماعی} تطبیق می‌کند. دینیاری با میانه‌روی مطابق است، زیرا میانه‌روی برترین خویشکاری دینیاران است، چه به وسیله آن، از بیم و شرم، گناه نمی‌ورزند. طبقه ارتشتار با بردباری مطابقت دارد. خرد با طبقه کشاورز منطبق است، زیرا ورزیدن خرد همچون ورز دادن زمین است و پیش راندن تحولی پیوسته به سوی فرشکرت (نوسازی پایانی جهان) است. کوشایی با طبقه پیشه‌ور تطبیق می‌کند، چه بزرگترین انگیزه هنر پیشه‌وران کوشایی است. همه این خویشکاری‌های مختلف بر تنه راستی و میانه‌روی استوارند.^۱ بنابراین خرد در متون پهلوی، بیشتر به معنای عقل سلیم است؛ با عقل سلیم به‌زندگانی نگرستن، به عبارت دیگر آدمی در این جهان از همه چیزهای نیک بهره‌گیرد، و در همان حال با کردار نیک و رفتار خردپسند خویشتن را برای زندگی جاویدان در بهشت آماده سازد.^۲

برای درک ژرف‌تر مینوی تعادل و ارتباطش با خرد (حکمت) باید توجه داشت که «اشتقاق واژه حکمت از «حکم» است و آن داوری کردن به عدل و داد است و معنی اصلی آن تمیز حق از باطل و بازداشتن ستمگر از ستمگری است و چون داوری معمولاً مستلزم علم، عقل و دوراندیشی است، به تدریج این گونه معانی در حکمت نیز جمع شده و سخنان پندآمیز و آنچه را که سبب افزایش خرد و پاکی نفس می‌شود، حکمت نامیده‌اند و دانایان ایرانی را که یا از موبدان و بزرگان و یا پادشاهان افسانه‌ای یا تاریخی بوده‌اند، حکیم گفته‌اند. این مفهوم در زبان انگلیسی با واژه *wisdom* و در زبان پهلوی و فارسی با واژه «خرد» بیان شده است و کتاب ششم دینکرد را که جامع اندرزها و حکمت‌ها است به زبان پهلوی «خردنامه» گفته‌اند.^۳

بسیاری از اصول اخلاقی در زردشتی به پیمان یا اعتدال مندرج است، یعنی پرهیز از افراط و تفریط در هر چیز. در این قاعده یک استثنا هست و این استثنا در یک متن

۱. بخش یک، بندهای ۱۱-۳۰.

۲. زنر، تعالیم مغان، ص ۹۹.

۳. میرفخرایی، بررسی دینکرد ششم، ۶-۷.

پهلوی آمده است: «اعتدال آن است که همه چیز را بر مبنای اندازه درست طرح ریزند، چندان که «بیشی» و «کمی» نباشد، زیرا اندازه درست کمال هر چیز است، مگر در آن چیز که در او هیچ نیاز به اعتدال نباشد: دانش و مهر و کردارهای نیک»^۱.

۲-۷. تحلیل کنش دوسویۀ دین و خرد: دین خواهی و دادگری

بنابر آموزش‌های زردشتی، بهترین راه در زندگی، راه میانه‌روی است^۲. سودمندی همه کارها و همه چیزها از میانه‌روی است. افراط و تفریط آنها را خراب و غیر موثر می‌کند. میانه‌روی را دانائی ذاتی آفریدگار در آفریدگانش سامان می‌دهد. بی‌نظمی بویژه افراط است و تفریط، اشموعی اهریمنی، و هر آنچه ضد دانایی ذاتی. هرگاه دانایی ذاتی پروردگار بر اشموعی اهریمنی در میان مردم چیرگی یابد، میانه‌روی و نظم پیروز شود، افراط و تفریط شکست خورد، و جهان آفرینش رونق یابد^۳. مینوی خرد همچنانکه در مرتبۀ اول بر ارجمندی و نیروی خرد تأکید دارد، در مرتبۀ دوم اندرز می‌دهد: «کوشا و میانه‌رو باش»^۴. فرزندگان باستانی نیز معتقد بودند «دین، اعتدال است» و «در هر چیزی نبود نقصان، اعتدال است. این نکته از دین بر می‌آید که عمل پارسا بهترین اعتدال است و اعتدال، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است»^۵. نظم، راستی یا دادگری و میانه‌روی از جمله اصول اخلاقی زردشتی‌اند که هم دین و هم خرد بدانها فرا می‌خواند که در حقیقت از منشأ خداوند است.

زردشت معتقد بود که تعدادی از نیروهای اخلاقی (چون اشه، «نظم درست»، وهومنه، «اندیشه نیک»، و جز آنها) هم در سطح عالم کبیر و هم در سطح عالم صغیر در جهان مشغول کارند^۶ اما خیر اخلاقی فقط شامل نگهداری از مخلوقات مورد حمایت

۱. روایات پهلوی، به نقل از بویس، جستاری در فلسفه زرتشتی، ص ۷۶.

۲. دوستخواه، اوستا، چهل و سه.

۳. زرت، تعالیم مغان، ص ۹۱.

۴. مینوی خرد، فصل اول، ۴۲.

۵. دینکرد ششم، ۳۹-۴۰.

۶. بویس، جستاری در فلسفه زرتشتی، ص ۹۰.

امشاسپندان نیست؛ با تحقق خصالی که ایزدان، و به‌خصوص امشاسپندان، نمایندهٔ آنند، انسان معتقد باید اجازه دهد که این ایزدان و امشاسپندان در او «مهمان» شوند.^۱ زادسپرم تأکید دارد که جوهرهٔ زندگی احیا شده، هماهنگی است، زیرا اهرمزد و امشاسپندان خود این‌گونه می‌گویند.^۲ کنش دوسویهٔ دین و خرد در فرشگرد نیز به‌قوت خود باقی است، چراکه در نهایت، مردم به‌یمن خرد مقدس، اندیشهٔ همدیگر را می‌بینند و به‌وسیلهٔ آن خردافزونی با یکدیگر سخن می‌گویند.^۳ بنابراین رستاخیز و فرشگرد و از منظر خردمندی به‌کمال رسیدن موجودات نیز نشان از همراهی دین و خرد در دین زردشتی دارد.

فرزانگان پیشین دربارهٔ دین و نیز دربارهٔ پرسش‌های اساسی انسان دربارهٔ کیستی، کجایی و خویشکاری آدمی با خرد خود سخن گفته‌اند. خرد در هماهنگی با دین به پرسش‌های اساسی بشر می‌اندیشد و در پی پاسخگویی درست است. این پرسش‌ها و پاسخ‌ها نمایانگر پیوند دیرین دین و خرد است. از چشم‌اندازی کلی، آدمی به‌یاری خرد می‌تواند بر ورن (شهوت) و آرزوهای نادرست چیره شود. سازواری دین و خرد در انسان‌ها ارمغان ارزشمندی دارد: از راه خرد و به‌راهنمایی دین است که می‌توان میانه‌رو بود، و از افراط و تفریط اهریمنی پرهیز جست، و همواره بر راه پیمان بود؛ این ارتباط استوار دین با خرد تا پایان جهان ادامه دارد.

اندیشه‌ای که گاتها بر آن تأکید می‌کند، در هم‌آوایی کامل با آموزه‌های اخلاقی، این است که خود انسان (دئنا) نقش‌پرداز اصلی سرنوشت جاودانه اوست. نفیس (خود) دروغگوها توسط اعمال خودشان آنها را به‌جهنم می‌کشاند. روح و نفس آنها موجب پریشانی آنها خواهد شد.^۴ خود، یک فرشتهٔ نگهبان نیک و یا شرور است که با هر اندیشه، کلمه یا عمل انسانی که صاحب آن بود، لطیف‌تر یا ناپاک‌تر می‌شود.^۵

۱. همان، ص ۱۰۹.

۲. گزیده‌های زادسپرم، ۳۵: ۱.

۳. همان، ۳۵: ۱۸.

۴. یسنا ۳۱: ۲۰؛ ۴۶: ۱۱.

مفهوم «دئنا» یا خود که به معنای کلیت ذهنی و مذهبی فرد است؛ گواه راستینی بر سازش دین و خرد در آدمی است. «مفهوم دئنا احتمالاً با تحلیل فلسفی خود زردشت از شخصیت انسان به ذهنش خطور کرده است: اگر او از فروشی اطلاع داشت، جدا از پیوستگی آن با ارواح نیاکان، برای تأکید بر این واقعیت که هر انسانی مسئولیت فردی خود را دارد و یک نفس جاودانه در او که می‌تواند به سعادت یا پریشانی منتقل کند، احتمالاً از کلمه دیگری استفاده می‌کرد»^۱. خود درونی یا «دینا» که به «وجدان» نیز ترجمه می‌شود، مفهوم بسیار مهمی است که زردشت ظاهراً آن را از اسطوره‌ای لذت‌گرایانه در سنت پیشین به یک اعتقاد اخلاقی تبدیل کرد. آنچه اشخاص در آنجا با آن روبه‌رو می‌شوند، دینای خودشان است، تجسم خود درونی آنهاست که کردارشان آن را زیبا یا زشت می‌سازد.^۲ واژه «دینا» از ریشه *dāy* به معنی «دیدن» گرفته شده است که همچنین دارای مفهوم بینش معنوی یا درونی هم هست؛ آن چیزی است که بواسطه آن کم‌کم «همه ویژگی‌های معنوی و دینی فرد و شخصیت معنوی و دینی وی شکل گرفته است»^۳. خرد زردشتی، که بیشتر نزدیک به دانایی است و پژوهشگران آن را مرتبط با حکمت کتاب مقدس می‌دانند^۴، حکمتی است که در کنترل کامل اراده آشکار است، و بر طبق دینکرد در «کردار نیک، عدالت و شهرت خوب» نشان داده شده است. خاستگاه این خرد، خداوندی است که خرد مقدس است؛ آفریدگان، این خرد مقدس را از راه شایستگی‌های خودشان دریافت می‌کنند و آدمی نیز با به کار بردن قانون دین و اخلاق نیک داشتن و میان‌اندیشی به مرتبه خرد ایزدی می‌رسد که همانا دادگری است. بنابراین در مؤلفه‌هایی که دسته‌بندی و تحلیل شد، خرد و دین در ساحت‌های گوناگون پیوند و اتصال دارند.

1. Ibid, p. 264.

۲. یسنا ۴۹: ۱۱-۱۰.

۳. بویس، جستاری در فلسفه زردشتی، ص ۳۸-۳۷.

4. Brown, Alexander R., "wisdom as a category in the History of Religion", *Encyclopedia of Religion*, Vol 14, ed. Lindsay Jones, 2nd ed, Thomson Gale, 2005, p. 9764-5.

۳. نتیجه‌گیری

زردشتی متأخر در مسئله اساسی رابطه دین و خرد، به آموزه زردشت وفادار است؛ سنت خردورزانه ایران باستان که بهترین نمودش در گاتها آمده است، بر این اساس استوار است که جهان، جلوه خرد مقدس اهورامزداست. نویسندگان کتب زردشتی متأخر که بیشتر با نگرشی نظام‌مند به سامان‌دهندگی دین مزدیسنی پرداخته‌اند، با به کار بردن مؤلفه‌های خاصی درصددند تا پیوند ازلی دین و خرد را نشان دهند. بیشتر این نویسندگان در تلاش برای حفظ آموزه‌های زردشت در زمینه خردمندی اهوره‌مزدای اوستا، بر پیش‌دانشی و همه‌آگاهی هر مزد در نبرد با اهریمن پس‌دانش همداستان‌اند. پیوسته بودن دین و خرد را می‌توان در سلسله مراتب همه‌آگاهی اورمزد، خرد ذاتی، فلسفه پیدایش هستی، خردخواهی، خوی آراستن، دین‌خواهی و دادگری دسته‌بندی کرد و به این نتیجه رسید که خردخواهی در زردشتی وجوه گوناگونی دارد که در حقیقت پیوستاری از خرد ازلی خداوند است. بنابراین خرد پشتیبان استوار دین است؛ خرد به پرسش‌های مختلف باورهای نظری دینی و احکام عملی اخلاقی به شیوه استدلالی پاسخ می‌دهد. خرد در مقام پشتوانه دین به دفاع منطقی و مستدل از باورهای زردشتی پرداخته و مزدیسنان را به دانش دینی مجهز ساخت. نوشته‌های پهلوی تأکید دارند که جهان گیتی و عناصر طبیعی، مردمی را که می‌اندیشند و خرد را کار می‌بندند، به راستی و خرد افزونی و در نهایت پرهیزگاران را به اورمزد همه‌آگاه رهنمون می‌سازند.

در روی دیگر سکه، دین حمایتگر خرد است؛ متون مذهبی زردشتی متأخر با به کارگیری روش‌های گوناگون روایی، نمادین، تمثیلی و... تأکید دارند که خرد از منبعی الوهی و مقدس است: اهورامزدا خاستگاه ازلی خرد ذاتی‌ای است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است. اهورامزدا خرد ذاتی را با منش خویش به نیکان می‌بخشد؛ پس باید خواستار خرد بود تا به پیمان یا تعادل دست یافت. دین و اوستا دانشی به مردم می‌دهد که آنان را به سوی خدا، خردخواهی و میان‌اندیشی رهنمون می‌سازد. بنابراین دین و خرد همواره همداستان و موافق‌اند: کسانی که بی‌دین یا دیوپرست شدند، نادانی و نابه‌خردی را دنبال کردند و دین‌برداران (آنانکه از دین فرمان می‌برند)، خرد را

که از پروردگارشان است، به کار داشته‌اند. در نتیجه به هم پیوستگی دین و خرد است که اندرزهای فراوان اخلاقی در زردشتی متأخر در ابتدایی‌ترین سطح تربیتی (رفتار و کردار درست) منجر به رشد و تعالی روزافزون انسان می‌شود. تزکیه نفس یا خود، در ساحت جسم به ساحت روح راه می‌برد و دیوان نمادین در وجود آدمی ضعیف شده و در بهترین حالت، شکست خواهند خورد. سپس به مدد خرد مقدس، سروش یا مینوی تعادل، ملکه تن و روان آدمی شده و آدمی تجلی خرد اهورامزدا خواهد شد، و چون خرد صفت برتر اهورامزداست، پس آدمی نیز با به کار داشتن این خیم در وجود خویش، سایر صفتهای نیکوی پروردگار را در خود نمایان خواهد ساخت؛ در حقیقت خرد ایزدی داشتن، تجلی و تحقق قانون دین یا همان دادگری است.

۲۲۲

پژوهشنامه ادیان

فهرست منابع

- آذر فرنیغ پسر فرخزاد، دینکرد هفتم، یادداشتهای محمدتقی راشد محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۹.
- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۸.
- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، چاپ دهم، تهران، مروارید، ۱۳۸۵.
- بویس، مری {و دیگران}، جستاری در فلسفه زردشتی (مجموعه مقالات)، مترجمان سعید زارع، سعیدرضا منتظری، نیلوفرالسادت نواب، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
- بهار، مهرداد، واژه‌نامه گزیده‌های زادسپرم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- _____، ادیان آسیایی، چاپ ششم، تهران، چشمه، ۱۳۸۶.
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۸۹.
- دوشن‌گیمین، ژاک، اورمزد و اهریمن، ترجمه عباس باقری، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۸.
- دین‌پژوهی، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه بهاء‌الدین خزمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
- گزیده‌های زادسپرم، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- گات‌ها، تألیف و ترجمه ابراهیم پورداود، چاپ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
- وزیدگیهای زادسپرم، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- زهر، رابرت چارلز، زروان یا معمای زردشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، چاپ دوم، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
- _____، طلوع و غروب زردشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب، ۱۳۸۸.
- _____، تعالیم مغان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۹۳.

۲۲۳

پژوهشنامه ادیان

- شاکد، شاول، تحول ثنویت، ترجمه سید احمد رضا قائم مقامی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷.
- فرنیغ دادگی، بندهش، گزارنده مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- فره‌وشی، بهرام، چند اندرز از دینکرت، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۴۲.
- کریستن سن، آرتور، مزدپرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- کمبل، ژوزف، اساطیر ایران و ادای دین، ترجمه علی اصغر بهرامی، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.
- مردان فرخ، شکند گمانیک وزار، ترجمه صادق هدایت، جاویدان، ۱۳۲۲.
- مولتون، جیمز هوپ، گنجینه مغان، ترجمه تیمور قادری، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۴.
- موله، ماریان، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، توس، ۱۳۶۳.
- _____، آیین، اسطوره و کیهان‌شناسی در ایران باستان، ترجمه محمد میرزایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۵.
- میرفخرایی، مهشید، بررسی دینکرد ششم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۲.
- مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه، ۱۳۶۸.
- یارشاطر، احسان، ادبیات ایران پیش از اسلام، ترجمه زیر نظر ژاله آموزگار، تهران، سخن، ۱۳۹۳.
- Brown, Alexander R., "wisdom as a category in the History of Religion", *Encyclopedia of Religion*, Vol 14, ed. Lindsay Jones, 2nd ed, Thomson Gale, 2005.
- Carter, George William, *Zoroastrianism and Judaism*, Boston, The Gorham Press, 1918.
- Dhalla, Maneckji Nusservanji, *Zoroastrian Civilization: From the Earliest Times to the Downfall of the Last Zoroastrian Empire, 651 A.D.*, New York: Oxford University Press, 1922.

- Dhalla, Maneckji Nusservanji, *History of Zoroastrinism*, Bombay, The K. R. Cama Oriental Institute, 1963.
- Moulton, James Hope, *Early Zoroastrianism*, London, Constable & Company LTD, 1926.
- Rudolph, Kurt, "Wisdom in Iran and Zoroastrianism", *Encyclopedia of Religion*, Vol 14, ed. Lindsay Jones, 2nd ed, Thomson Gale, 2005.
- Mutual Interaction between Religion and Wisdom Based upon the Hierarchy of Appearance in the Worlds of Existence in the Later Zoroastrianism

۲۲۵

پژوهشنامه ادیان

کنش دوسویه دین و خرد بر اساس سلسله‌مراتب ظهور در عوالم هستی در زردشتی متأخر